

نوم و رؤیا و تعبیر و حکم

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



لوح رقم (99) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد 1

۹۹ - نوم و رؤیا و تعبیر و حکم

از حضرت بهاءالله در لوحی است. قوله الاعلی: "و همچنین از نوم سؤال شده بود او عالمی است از عوالم الهیه و مدل و مشعر بر امورات نا متناهیة از جمله دلیل بر عالمی که بدو و ختم و اول و آخر در او مشاهده نمیشود چنانچه حال امری در نوم مشاهده میشود و بعد از سنین معدودات بعینه همان ملاحظه میگردد بیک نظر اگر گفته شود عالم مثال است بین عالمین شبه ملکوت که آنرا بعضی مثال دانند مابین جبروت و ناسوت صحیح است باری اگر تفکر در او کنی مطالب لانهایه ادراک نمائی و همچنین دالّ است بر حشر و بعث بعد از موت چنانچه لقمان پسر خود گفته اگر قادری که نحوایی قادری که نمیری و اگر بتوانی بعد از نوم بر نخیزی میتوانی بعد از موت محشور نشوی کما ان الموت حقّ کذلک النوم حقّ و کما ان بعد النوم انتباه بعد الموت قیام و باختلاف نفوس و افکار و اکل و شرب گاهی مختلف میشود در رؤیای نفوس مقدّسه اختلاف نبوده و نیست چه که عین یقظه بوده. ای سائل انسان فهرست اعظم و طلسم اقوم است فهرستی است که در او مثال کلّ ما خلق فی الارض و السماء موجود و روح چون از تقییدات عرضیه و شئونات و همیه فارغ شود جمیع مراتب را سیر نماید و هر چه فراغتش بیشتر سیرش شدید تر و ثابتتر و صادقتر است."

و در لوحی دیگر قوله الاعلی: "از جمله مخلوقات نوم است ملاحظه کن چقدر اسرار در او ودیعه گذاشته شده است و چه حکمتها در او مخزون گشته و چه عوالم در او مستور مانده. ملاحظه فرمائید که شما در بیتی میخواهید که درهای آن بیت بسته است یک مرتبه خود را در شهر بعیدی میبینید بیحرکت رجل و تعب جسد بان شهر داخل میشوید و بیزحمت چشم مشاهده میکنید و بیمحنت گوش میشنوید و بیلسان تکلم مینمائید و گاه



ORIGINAL

هست آنچه شنیده‌اید ده سال بعد در عالم زمان بحسب ظاهر بعینه آنچه در خواب دیده‌اید میبینید حال چند حکمت است که در آن نوم مشهود است و غیر اهل این وادی کما هی آنرا درک نمیکنند اول آنکه آن چه عالم است که بیچشم و گوش و دست و لسان حکم همه اینها را دارد و معمول میشود و ثانی آنکه در عالم ظهور اثر خواب را امروز مشاهده میکنید لکن این سیر را در عالم نوم ده سال قبل دیده‌اید حال تفکر نما فرق این دو عالم و اسرار مودعه آنرا تا بتأییدات الهی بمکاشفات سبحانی فائز شوی.

و در لوحی دیگر. قوله الاعلی: "و اما ما سألت عن العوالم فاعلم بان لله عوالم لانهاية بما لا نهاية لها و ما احاط بها احد الا نفسه العليم الحكيم تفكر في النوم و انه الاية الاعظم بين الناس لو تكونن من المتفكرين مثلا انك ترى في نومك امر في ليل و تجده بعينه بعد سنة او سنتين او ازید من ذلك او اقل و لو يكون العالم الذي انت رأيت هذ العالم الذي تكون فيه فيلزم ما رأيت في نومك يكون موجودا في هذ العالم في حين الذي تراه في النوم و تكون من الشاهدين مع انك ترى امرا لم يكن موجودا في العالم و يظهر من بعد اذا حقق ان العالم الذي انت رأيت فيه ما رأيت يكون عالما آخر الذي لا له اول و لا آخر و انك ان تقول هذ العالم في نفسك و مطوى فيها بامر من لدن عزيز قدیر لحق و لو تقول بان الروح لما تجرد عن العلائق في النوم سيره الله في العالم الذي يكون مستورا في سر هذ العالم لحق و ان لله عالم بعد عالم و خلق بعد خلق و قدر في كل عالم ما لا يحصيه احد الا نفسه المحصى العليم."

و در لوحی دیگر. قوله الاعلی: "از معبر سؤال نموده بودید عبر الرؤیا انا اذناک و تؤیدک فی ذلك انه لهو المقتدر القدير انما الاصل هو الاستقامة على امری من فاز به یجری الله من قلبه بحور الحقائق و العرفان و من زل انه من الجاهلین."

و در لوحی دیگر است. قوله الاعلی: "نوم با احكام منصوصه الهیة مقابله و معادله ننماید ضع النوم و خذ ما انزله الوهاب فی الكتاب."

و در صحیفه اصول و فروع حضرت نقطه است. قوله الاعلی: "بدانکه این ظهور آیات و مناجات و علوم لدنیه از نومی است که مشاهده نموده بآنکه رأس مطهر جناب سیدالشهداء علیه السلام را مقطوع از جسد مطهر با رأس ذویالقربی و هفت جرعه دم از کمال حب از دم آن جناب شهید نوشیده و از برکت دم آن حضرت است که صدر آن بمثل این آیات و مناجات محکمه منشرح گشته الحمد لله الذي اشربني دم حخته و جعله حقيقة فؤادی و لذلك قد نزل البلاء بامضائه فانا لله و انا اليه راجعون و ان بمثل ذلك فليعمل العاملون."

و در توقیعی از آن حضرت است. قوله الاعلی: "ما ترى في المنام مطابقا لامر الحق فاعمل به و الا فلا."

و در مناجاتی از آن حضرت است. قوله الاعلی: "و انک لتعلم انی رايت في المنام من قبل في ذلك البيت الذي انا قد كنت جالسا فيه ان وسطه مرقد و عليها ضريح و لما قربت المرقد رايت ان محمد الجواد خرج من الضريح

باحسن صورة لا يمكن في الابداع مثلها ففي الحين عرفت امامي من الهام ربي و سلمت عليه و كان لديه من احد مثل ما نزل لي اليوم من آلاء ربي و قمت تلقاء الكعبة في مقامى هذا و اخذت قشرة و جعلته في كفى بين يدي مولاي فاخذ روحى فداه بعضامنه ... فاكل روحى فداه و اكرمنى بعضامنه ثم اخذ من حبيبه كفين من حلو الذى يقول الاعجمين انه نقل هل و اكرمنى بجوده ما يشاء من آلائه و ان من بركة عطائه كان يشرح صدرى."

و در توقیعی دیگر است. قوله الاعلی: "فايقن ان فى النوم مثل الروح مثل الشمس فى مقامها لم يخرج من الجسم بل بنوره يشاهد ملكوت السموات والارض فان كان مومنا يشاهد الكل بحكم على مقامه وله تأثير لا ينفك عنه و ان كان كافرا يشاهد الاشياء على صور المعكوس لكفره وله بالعدل تأثير لا يتقلب عنه و ان الله قد خلق النوم فى العباد ليقنوا بعوالم الاخرة و النشأة الباقية و ان عمر الدنيا و تغيرها بعد الموت بمثل نوم يرى اخذ فاذا قام لا يرى منه شئى الا اثر تعبيره فسبحان الله من الذين يركنون فى الدنيا و يخافون عن دار الاخرة و نعيمها فسبحانك اللهم يا الهى قرب ايام لقاءك فان الدنيا تحزننى و ان اهلها يعادوننى و انا عدو لاعدائك رب فرق بينى و بينهم و ادخلنى فى عبادك المقربين و ان نزع الروح و انجذابه الملك اليه لكان من امرالله و ان فى حقيقة كلّ ذي روح مرات فيه جمال حسين بن على عليهما السلام فاذا جاء ساعة الموت ياخذ الملك ما وقع على المرات من سيئاته و شؤناته فحينئذ عبد المؤمن يصعد اليه بالروح و الريحان بشأن الذى لو يمسكه جنود السموات و الارض لن يقدر و الرجوعه و ان عبد المشرك من سطوته يفر بحيث لو ياخذه جنود السموات و الارض لن يقدر ان يقبل ذلك حكم الله من قبل و من بعد و ان كلّ شئى هالك الا وجه ربك ذو الجلال و الاكرام."

و در توقیعی دیگر است. و از حضرت عبدالهاء است. قوله العزيز: "و اما در خصوص رؤيا سئوال نموده بوديد رؤيا را مانند بيدارى فرض نمائيد چه بسيار كه دو نفس ملاقات نمائيد و با يكديگر مذاكره و محاوره كنند يكي را در خاطر ماند و ديگرى بكلى فراموش كند. در عالم رؤيا نيز چنان است و سبب نسيان اين است كه قضيه چنانكه بايد و شايد در محفظه قوه حافظه نگردد."

و بياني از آن حضرت در مجمع زائرین و احباب بتاريخ ۸ اگوست ۱۹۱۹ است. قوله الجليل: "ميانه جميع اين نعمای جسمانی از همه لذیذ تر خواب است. روح انسانی يك قدر آزاد ميشود چنان كه حوادث جسمانی منقطع ميشود روح انسانی قدری آزاد ميشود يعنى در صورتيكه قلوب طيب و طاهر باشد و الا اگر قلب طيب و طاهر نباشد در عالم خواب انسان خيلي متوحش ميشود و اشياء هولناكى بنظرش ميآيد اين از آن سبب است كه قلب طيب و طاهر نيست و الا اگر قلب طيب و طاهر باشد خواب از برای انسان آزادى است اگر در زندان باشد خود را در گلستان مى بيند، در زیر زنجير باشد خود را جالس بر سرير مى بيند. بكلى از احساسات جسمانی بيخبر است اگر افكار باطله در قوه حافظه اش نيابد سير عجيبى دارد و چه بسيار ميشود كه در مسأله انسان در بيدارى فكر ميكند و لكن حلّ نميكنند در عالم رويا بسيار واقع شده است كه كشف ميكند. بسيار ميشود كه رؤيا رؤياى صادق است چنانچه هرچه مي بينيد بعينه ظاهر ميشود محتاج بتعبير نيست چه كه خواب بر

سه قسم است یکی رویای صادقه است عیناً مثل روشنائی صبح است احتیاج بتعبیر ندارد همانطور که میبینید همان طور واقع میشود ولکن از برای اکثر ناس بلکه عموماً حاصل نمیشود در مدت حیاتش برای هر نفسی تصادف میکند که قلب فارغ است و در قوه حافظه افکار باطلی نیست آنچه که روح کشف طبقاً انعکاس حاصل میشود این رؤیا صادقه است که تعبیر ندارد و عین واقع است. قسم ثانیست رؤیای تعبیری است و آن این است که در قلب و در ذهن افکار باطله است یک سیر روحانی از برای انسان حاصل میشود آن وقت باید تعبیر کرد افکار باطله را باید از انکشافات روحانیه جدا کرد مثل قماش میماند که سفید است و هر رنگی باو بدهی قبول میکند عین واقع است ولی اگر در آن قماش رنگی دیگر باشد و رنگی باو بدهی غیر واقع است مثل اینکه اگر در قماش رنگ زردی باشد و رنگ آبی بدهی سبز میشود حالا باید زرد را جدا کرد تا آبی جلوه کند این تعبیر است. قسم دیگر خواب اضغاث احلام است مثل اینکه انسان در ایام روز در نزاع و جدالی داخل میشود در عالم خواب آن حوادث نمودار میشود این اضغاث و احلام است نه تعبیر دارد و نه انکشافی است پیش از آن که شخص بخوابد اوهام بر او مستولی شده بود ظاهر این هیچ تعبیر ندارد اضغاث و احلام است. در نزد انبیاء رؤیا قسمی از وحی است علیالخصوص در نزد انبیاء بنی اسرائیل مسأله رؤیا خیلی است. بعضی از انبیاء شب در عالم رؤیا مبعوث شده در عالم رؤیا مشاهده کرده شخصی نورانی یا هیکل ربّانی باو خطاب کرد که فلان تو برو بمملکت اسرائیل چنین القاء کن و چنین و چنان بگو او هم صبح بر میخاست و تبلیغ میکرد که فلان مسأله که در او متحرّید چنین است یا آنکه حل آن بدین واسطه است این من دون اراده واقع میشود ولی انسان خود را حاضر کند بهتر ظاهر میشود مثل میهمانی است که میاید ولی اگر صاحب خانه آب و جارو کند آسانتر میاید."

حاشیه

قال بعض العارفين الفرق بين الموت والنوم ان في الموت ينقطع تعلق النفس الناطقة وفي النوم يبطل تصرفها فالمراد من خروج النفس الناطقة تصرفها في البدن ... في الحديث ان رسول الله قال ... ان الرؤيا الصادقة جزء من سبعين جزء من النبوة وفي بعض نسخ الحديث الصالحه و وصفها بها لان غير الصالحة تسمى الحلم (مجمع البحرين)

در سوره فتح از قران است قوله تعالى: " صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله امنين مخلقين روسكم و مقصرين لا تخافون فعلم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا."